دریچه

چابهار میزبان مدیران موزه‌های آسیا و اقیانوسیه

● **محبوبه حقیقی:** آنچه در مجمع عمومی شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) در خردادماهی که گذشت، مقرر شده بود، این روزها در چابهار در حال محقق‌شدن است. در پاریس پیشنهاد میزبانی ایران برای اجلاس سالانه آسپک (کمیته همکاری‌های بین‌المللی موزه‌های منطقه آسیا و اقیانوسیه) از سوی کمیته ملی موزه‌های ایران مطرح شده و با موافقت سوآی آکسوی، رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها، در جلسه فوق‌العاده «برد آسپک» در محل ساختمان یونسکو به تصویب رسیده بود. نتیجه آن شد که دهم تا دوازدهم آبان جاری اعضای هیئت اجرائی آسپک و رؤسای کمیته‌های ملی موزه‌های کشورهای آسیا و اقیانوسیه به میزبانی موزه‌داران ایرانی در بندر چابهار گرد هم آمدند. در افتتاحیه این نشست سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی؛ عبدالرحیم کردی، رئیس منطقه آزاد چابهار؛ کامبیز مشتاق‌گوهری، مدیر کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان؛ همچنین نماینده کمیته ملی موزه‌های ژاپن، دبیر کل کمیته موزه‌های کامبوج؛ رئیس کمیته ملی موزه‌های بنگلادش، رئیس کمیته ملی موزه‌های نپال، رئیس کمیته ملی موزه‌های هند و تعداد دیگری از اعضا و رؤسای کمیته‌های ملی موزه‌های آسیا و اقیانوسیه حضور داشتند.

سیداحمد محیط‌طباطبایی معتقد است برگزاری این اجلاس در چابهار امتیازاتی برای موزه‌ها و موزه‌داران ایرانی در پی خواهد داشت و بالطبع موجب بالارفتن اعتبار بین‌المللی موزه‌ها و موزه‌داران ایرانی می‌شود و سطح مناسبات بین‌المللی فرهنگی ایران را ارتقا می‌بخشد. او که عضو هیئت اجرائی آسپک است اعتقاد دارد برگزاری این نشست در ایران ضمن ایجاد امکان ملاقات و تبادل‌نظر و ایجاد بستر مناسب برای تبادلات فرهنگی، در معرفی ایران به‌عنوان قطب موزه‌داری در منطقه آسیا و اقیانوسیه مؤثر خواهد بود.

نشست چابهار صبح دیروز با سخنرانی نماینده رئیس آسپک جهانی و پیام رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها آغاز شد. عبدالرحیم کردی، رئیس منطقه آزاد چابهار، به‌عنوان حامی برگزاری این نشست، گفت: امروز اولین محموله‌ای که از هند به افغانستان می‌رود، از مسیر چابهار ترانزیت می‌شود. هم‌زمانی این اتفاق با برپایی نشست آسپک در چابهار نشان می‌دهد جابهار هم‌زمان با بازیابی نقش اقتصادی خود در منطقه به موقعیت فرهنگی درخور این فرهنگ و تمدن دست خواهد یافت.

کامبیز مشتاق‌گوهری، مدیر کل میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان نیز با یادآوری قرارگرفتن بند چابهار در جوار تمدن کهن تیس گفت بندر چابهار به‌عنوان تنها بندر اقیانوسی کشور از دیرباز نقش مسیر انتقال فرهنگ را بر عهده داشته است. او با اعلام اینکه طرح پروژه موزه بزرگ منطقه چابهار در ادامه همین اجلاس رونمایی خواهد شد، گفت راه‌اندازی این موزه زمینه را برای تداوم برگزاری این‌دست رویدادهای بین‌المللی فراهم می‌کند.

سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی، در سخنانش در نشست آسپک در چابهار گفت: کشورهای آسپک می‌توانند بهانه‌های مختلفی برای ایجاد وحدت و همبستگی بیشتر داشته باشند، اما ما مجموعه ایکوم هستیم و ایکوم با موزه سروکار دارد و مهم‌ترین خصوصیت موزه این است که ما را متوجه امور اصیل و ریشه‌ها می‌کند. بهشتی ادامه داد: هرچه که اصیل باشد و با ریشه‌ها پیوند داشته باشد، به‌طور طبیعی پایدار هم هست و می‌تواند تکیه‌گاه خوبی باشد. قائم‌مقام ایکوم ایران، پدیده‌ای را که شامل همه این ویژگی‌ها باشد رویداد نوروز دانست و گفت: نوروز از یک‌سو شهادت می‌دهد به خویشاوندی بخش بزرگی از کشورهای آسپک و از سوی دیگر حکایت می‌کند از شادی و نماینده خاطرات خوش مشترک ماست و به همین دلایل می‌توانیم آن را نماد صلح بدانیم. او برهمین‌اساس پیشنهاد داد کشورهای منطقه‌ای که نوروز را جشن می‌گیرند، در آسپک جمع شوند و از این وجه مشترک برای وحدت و نزدیکی خود بهره ببرند.

علیرضا قلی‌نژاد، معاون فناوری پژوهشگاه میراث فرهنگی نیز درباره اهمیت برگزاری این نشست در ایران و چابهار به «شرق» گفت: در منطقه‌ای مثل آسیا و اقیانوسیه، زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌طور همگن توسعه نیافته‌اند و از این منظر مثلا با کشورهای منطقه اروپا به‌شدت متفاوت‌اند. برگزاری این نشست‌های سالانه پیش از هر چیزی باعث ملاقات و ایجاد ارتباط و انتقال تجربیات فرهنگی بین این کشورها می‌شوند. از سوی دیگر این‌دست نشست‌ها فضایی برای دیده‌شدن بخش‌های مختلف منطقه از سوی دیگر اعضا می‌شود و این دستاوردهایی برای آن منطقه به دنبال خواهد آورد، مثلا اگر این نشست در چابهار برگزار نمی‌شد کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه هرگز از ظرفیت‌های موزه‌ای این منطقه که می‌تواند سبب‌ساز توسعه پایدار آن باشد، باخبر نمی‌شدند. این عضو هیئت اجرائی ایکوم ایران ادامه داد: ما از نادر کشورهایی هستیم که با ایکوم تفاهم‌نامه‌ای داریم که بر مبنای آن می‌توانیم برخی از تکالیف ایکوم جهانی را با همکاری خود آنها در منطقه بر عهده بگیریم. حضور این گروه در ایران نشان می‌دهد ما ظرفیت و توانایی ایفای این نقش بین‌المللی را داریم.

بازگشت دوباره «وازکتومی» و «توبکتومی» به مجلس

مجازات ۲ تا ۸ میلیونی برای تبلیغ‌کنندگان عمل‌های جلوگیری از بارداری

شرق: سال ۹۳ بود که مجلس شورای اسلامی در راستای اجرای برنامه‌های جمعیتی طرحی را با عنوان «افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور» تصویب کرد. براساس این طرح سقط جنین، عقیم‌سازی، وازکتومی، توبکتومی و هرگونه تبلیغات در زمینه تحدید موالید و کاهش فرزندآوری ممنوع شد و برای مرتکبان هم مجازاتی در نظر گرفته شد. همان موقع تصویب این طرح واکنش‌های بسیاری را در پی داشت؛ اکنون سه سال پس از آن دوباره گذر همان طرح به مجلس افتاد و بار دیگر حاشیه‌ساز شد، این‌بار با انتشار خبرهایی که تیترشان این بود: «ممنوعیت وازکتومی و توبکتومی برداشته شد»؛ اما واقعیت ماجرا چیست؟ در این گزارش به این موضوع پرداخته‌ایم.

در جلسه علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی، ایرادات شورای نگهبان برای دومین‌بار در طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت در مجلس بررسی شد که نمایندگان برای تأمین نظر شورای نگهبان مواد سه و یک را حذف کرده و یک تبصره به ماده دو اضافه کردند. در ماده یک آمده بود همه عمل‌های جراحی که به‌منظور پیشگیری دائمی از بارداری انجام می‌شود، به استثنای موارد مرتبط با تهدید سلامت جسمی، ممنوع است. رعایت‌نکردن این حکم توسط شاغلان حرف پزشکی تخلف محسوب می‌شود و متخلفان متناسب با عمل ارتکابی از تکرار آن به مجازات‌های انتظامی مندرج در تبصره یک ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران محکوم می‌شوند. همچنین در تبصره ماده یک آمده بود موارد تهدید سلامت جسمی را وزارت بهداشت اعلام می‌کند. ماده یک با ۱۵۹ رأی موافق، ۱۵ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۹ نماینده حاضر در مجلس برای تأمین نظر شورای نگهبان حذف شد. همچنین نمایندگان یک تبصره به ماده دو الحاق کردند که به موجب آن چنانچه مرتکب از امکانات دولتی و عمومی برای هرگونه تبلیغ موضوع این ماده به‌جز موارد مصرح در تبصره یک استفاده کند، مشمول جزای نقدی درجه شش ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می‌شود. همچنین نمایندگان مجلس با مجازات دو تا هشت میلیون تومانی برای استفاده‌کنندگان از امکانات دولتی به‌منظور تبلیغ پیشگیری از بارداری موافقت کردند.

احمد همتی، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره این تغییر گفت: «این ماده ابهام داشت و از شورای نگهبان به مجلس برگشت خورده بود، ابهامش این بود که عبارتی در آن وجود داشت که در آن نمی‌شد تخلف انجام این عمل را مشخص کرد و در اجرا با مشکل مواجه می‌شد؛ بنابراین مواد یکم و سوم طرح افزایش باروری برداشته شد. در واقع همچنان قانون ممنوعیت اعمال پیشگیری از بارداری سر جای خودش است و برای جلوگیری از هرگونه ابهام، این مواد حذف شد». همتی افزود: «اصل قضیه سر جایش هست و فقط از ابهامات جلوگیری کردیم». او در پاسخ به این سؤال که دلیل تأکید بر ممنوعیت این عمل‌های جراحی که جزء حریم خصوصی اشخاص محسوب می‌شود و عدم رغبت به سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت چیست، گفت: «ما این سیاست‌ها را داریم و پوشش‌های بیمه‌ای هم برای فرزندان وجود دارد، اما همه‌جای دنیا یک‌سری سیاست‌های کلان برای کل کشور وجود دارد و آن را اعمال می‌کنند که مصلحت کل کشور را دنبال می‌کند، این را سیاست‌گذاران تأمین می‌کنند و همه تابع آن می‌شوند. و این سیاست نیز جزء همان دسته است».

عکس: مجتبی محمدلو، ایرنا

تیرماه سال ۹۳ بود که مجلس نهم، سیاست‌های افزایش فرزندآوری را در شرایطی که زنگ خطر پیرشدن جمعیت از سوی جمعیت‌شناسان به صدا درآمده بود، تصویب کرد. طرحی که در آن سقط جنین، عقیم‌سازی، وازکتومی، توبکتومی و هرگونه تبلیغات در زمینه تحدید موالید و کاهش فرزندآوری ممنوع است و مرتکب به مجازات مندرج در ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شد. همچنین مطابق این طرح وزارت بهداشت موظف شد فهرست موارد ضروری سقط جنین و نیاز به خدمات جراحی پیشگیری از بارداری را در سه ماه تهیه کند و به تصویب هیئت وزیران برساند.

پس از افزایش چشمگیر جمعیت در دهه ۵۰ و ۶۰، به ناگاه شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر، از سوی مسئولان در رسانه‌ها منتشر شد تا جلوی انفجار جمعیت در ایران گرفته شود. سیاست‌هایی که بالغ بر ۲۰ سال در کشور جا افتاده بود، یکباره عوض شد و به جای آن تبلیغات جدیدی آغاز شد که خانواده‌ها را به‌صورت کلی از فرزندآوری منصرف می‌کرد، شاید برای همین بود که مسئولان تصمیم گرفتند در خصوصی‌ترین مسئله فردی افراد وارد شوند و بخواهند به‌جای خودشان برای آنها درباره آینده و موالیدشان تصمیم بگیرند. شاید این ساده‌ترین و آسان‌ترین راه‌حل برای کشوری بود که مسئولانش شاید حوصله کار مدیریتی و برنامه‌ریزی‌شده را نداشتند. آنها که به‌دنبال کم‌خرج‌ترین و میان‌برترین راه بودند، توزیع کاندوم در محلات محروم و بین کارتن‌خواب‌ها و خانه‌های بهداشت را هم ممنوع کردند. گویی آنها فقط دنبال افزایش جمعیت بودند و برایشان مهم نبود این افزایش چگونه باشد و چه فرزندانی به جامعه تحویل داده شوند، مسئله اینجا بود که آنها صرفا دنبال انجام وظیفه بودند و کسی به فکر انجام کار نتیجه‌بخش نبود.

نگاهی به سیاست‌های جمعیتی در جهان نشان می‌دهد راه‌حل‌های کلیدی برای اعتماد مردم به فرزندآوری راه‌حل‌هایی دشوار و البته گران‌قیمت است که حوصله و دست‌ودل‌بازی می‌خواهد. در مرور این سیاست‌ها به نتایج درخور توجهی می‌رسیم؛ برای مثال بعد از روی‌کارآمدن پوتین در کشور روسیه سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت بیش‌ازپیش قوت گرفت. در ژاپن نیز خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شوند از پرداخت ماهیانه مالیات تا سقف معینی معاف می‌شوند و مورد حمایت‌های مالی برای تربیت و رشد فرزندشان قرار می‌گیرند. دولت این کشور برای فرزند اول ۱۵ هزار دلار و برای تولد فرزند سوم یک خانه به پدر و مادر نوزاد هدیه می‌دهد. همچنین مادری که دارای فرزند می‌شود می‌تواند ۹ هزار و ۶۰۰ دلار کمک هزینه دریافت کند.

برای همین برای بهبود وضعیت هرم جمعیتی در این کشور، قانونی به نام «کودوموتیت» وضع شد که طبق این قانون، خانواده‌هایی که فرزند تا سن ۱۵ سال دارند، ماهانه تا ۱۳ هزار ین کمک مالی دریافت می‌کنند. همچنین پدر و مادر یک به یک می‌توانند با دریافت نصف حقوق خود تا سقف تعیین‌شده به مرخصی بروند و بعد از آن نیز می‌توانند بدون هیچ تغییر به کار قبلی خود بازگردند.

این در حالی است که در ایران هنوز بحث مرخصی زایمان برای مردان بیشتر شبیه شوخی است و طبیعتا در چنین شرایطی ممنوع‌ترکردن وازکتومی و توبکتومی کار ساده‌تری به نظر می‌رسد.

شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس در گفت‌وگو با «شرق» درباره سیاست‌های تشویقی فرزندآوری می‌گوید: «به صورت کلی حتی جواب‌دادن سیاست جلوگیری از جراحی‌های این‌چنینی نیز بستگی به نحوه اجرای آن دارد. زمانی هم که این طرح اجرائی بود و اجازه آن وجود داشت، فقط خانواده‌هایی مجاز به استفاده از آن بودند که حداقل چهار یا پنج فرزند داشتند. این‌گونه نبود که مرد یا زنی که دارای یک فرزند بودند، اجازه انجام این عمل‌های جراحی را داشته باشند. حالا به هر دلیلی کلا این کار را ممنوع کردند به این معنا که در مراکز این کار انجام نشود».

کاظمی‌پور افزود: «قبلا زنی که هفت، هشت بچه داشت و زندگی‌اش به خطر می‌افتاد، می‌توانست در مراکز بهداشتی توبکتومی کند که حالا نمی‌تواند. با توجه به بحران احساس‌شده، تصمیم بر این شد که در ابتدا جلوی سیاست‌های بازدارنده گرفته شود و بعد از آن سراغ سیاست‌های تشویقی بروند. مثلا درس تنظیم خانواده از دانشگاه‌ها حذف شد و ارائه وسایل پیشگیری از بارداری نیز در مراکز بهداشتی ممنوع شد».

وی در پاسخ به این سؤال که آیا تجربه جهانی می‌گوید که این ممنوعیت‌ها در افزایش جمعیت پاسخ‌گو است یا نه، گفت: «همه کشورهایی که رشد جمعیت منفی پیدا کرده‌اند مثل آلمان، فرانسه و سوئد، معمولا سیاست‌هایی اتخاذ می‌کنند که جلوی این رشد منفی را بگیرند. مثلا مرخصی زایمان، اعطای شیرخشک و پوشک و ایجاد امکانات تا مادر سرکار برود، معافیت‌های مالیاتی در نظر می‌گیرند که جوابگو هم هست. در ایران و برنامه‌های سیاستی آن نیز، جنبه‌های رفاهی این مسئله مثل بیمه‌کردن مادر و فرزند وجود دارد، سبد تغذیه مادر و مسائلی از این قبیل، حتی در صورت نبود سیاست‌های افزایش جمعیتی در یک مملکت باید وجود داشته باشد». وی در پایان در پاسخ به این سؤال که آیا ایران از نظر کاهش جمعیت در شرایط بحرانی قرار دارد، گفت: «پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد ۳۰ سال دیگر جمعیت ما به سمت سالخوردگی می‌رود. همه کشورها این مسیر را طی کرده‌اند، بعد از اینکه به رشد منفی رسیدند سیاست‌های افزایش باروری را اتخاذ کردند. البته آنها دو سیاست داشتند، یکی سیاست‌های افزایش باروری که خیلی کم پاسخ‌گو بوده است، چراکه زوجین وقتی به این تصمیم می‌رسند که بچه کم بیاورند، دلیلش شاخص‌های توسعه است... ایران نیز در صورتی که همین فرایند را طی کند، به‌زودی به رشد منفی خواهد رسید». پیش از این، معاون فنی دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت درخصوص کاهش رشد جمعیت در کشور، بیان کرده بود: نگرانی ما از آینده کشور در سال‌های ۱۴۲۰ تا ۱۴۳۰ است و مشکل اصلی ما این است که از هر ۱۰ زن، ۱۹ فرزند به دنیا می‌آیند، درحالی‌که این میزان در دنیا به طور متوسط ۲۱ فرزند است و اگر این روال در سال‌های آینده وجود داشته باشد، رشد جمعیت به صفر می‌رسد.

ادامه از صفحه ۱۶

تهرانِ گران از کرباسچی تا نجفی

او در پاسخ به این سؤال «شرق» که چطور می‌توان اثرات گران‌شدن تهران و افزایش انواع عوارض‌ها روی رفتارهای قشر مرفه را که دسترسی و قدرت اعمال نفوذ دارند، کم کرد، می‌گوید: چنین عوارضی می‌تواند آسیب این تصمیم‌ها باشد و نمی‌توان آنها را رد کرد. در مدیریت کلان که تصمیم به چنین تغییری گرفته می‌شود حتما مقاومت‌های اجتماعی هم وجود دارد و این نوعی آسیب است که باید کنترل شود. این عضو شورا افزود: در یک نظام اقتصادی بیمار چنین روندی رخ می‌دهد، چراکه بازارهای کنترلی وجود ندارد، ولی نباید مانع از آن شود که خدمات و عوارض شهری برای مردم شهر به نسبت مصرفشان باشد. او می‌گوید سرانه خدماتی برای مردم تهران با احتساب بودجه ۱۸هزارمیلیاردی به ۹ میلیون نفر ساکن در تهران سالانه حدود دو میلیون تومان است، اما آیا باید به شکل مساوی از همه مردم گرفته شود؟ پس باید به‌گونه‌ای باشد که تفاوت احساس شود و این عین عدالت است. حبیب‌زاده می‌گوید در چنین موضوع مهمی شهرداری نمی‌تواند به‌تنهایی پیش برود و چنین موضوعات چندبُعدی‌ای باید با همکاری دولت و مجلس اجرائی شود. حسن رسولی، دیگر عضو شورای پنجم هم به «شرق» می‌گوید وقت آن رسیده که شهرداری در تعامل با دولت و مجلس از یک سو و تعامل با مردم از سوی دیگر شفاف‌تر برخورد کند و به آنها حقیقت را بگوید. او می‌گوید تهران با کمک مردم آن اداره می‌شود و وقت آن رسیده که مردم را در اداره شهر سهیم کنیم. به گزارش «شرق»، وقتی برج میلاد آماده بهره‌برداری شد، در شهرداری و شورا این بحث مطرح بود که میلیاردها برای ساخت این مجموعه هزینه شده و حالا تهرانی‌ها باید از آن استفاده کنند، پس بلیت ۵۰ هزار تومانی پیشنهادی شهرداری تهران رد شد و طبقات آن را تفکیک کردند و عوارض بستند. آن روز جلوی گران‌شدن یکباره را گرفتند اما در سال‌های گذشته به مرور رقم بازدیدها و رستوران‌ها و... آن‌قدر زیاد شد که قشر متوسط تهرانی هم نمی‌تواند از برج بازدید کامل داشته باشد و حضور در رستوران گردان هم در رده انتخاب‌های این قشر نیست. آنچه نجفی و دیدگاه پشت‌سر او برای این روزها و روزهای بعد تهران در نظر گرفته‌اند، آینده پایتختی را رقم می‌زند که مستقیما روی کل کشور اثرگذار است؛ دیدگاهی که می‌تواند در عمل نشان دهد عدالت را هدف گرفته و نه کسب درآمد از محلی غیر از تراکم را. شهردارانی نظیر کرباسچی به شکلی علنی و قالیباف به شکلی غیرعلنی تهران را با تراکم آن اداره کردند و حالا نجفی اگر قرار است تهران را با درآمدی جز تراکم اداره کند باید روی گزینه‌های مورد نظر بررسی جدی‌ای داشته باشد، چراکه اگر سیاست «اداره شهر با تراکم» حرف و حدیث داشت، پول هم داشت، اما سیاست‌هایی که او به دنبالشان می‌رود، ممکن است پولی نیز همراه نداشته باشد، اما حتما حرف و حدیث بسیاری دارد، چون در ارتباط بیشتری با مردم قرار می‌گیرد.

خبر

صدوبیستمین محیط‌بان به شهادت رسید

● **شرق:** روز گذشته، محیط‌بان علی‌اکبر قنبری‌زاده، رئیس اداره حفاظت محیط زیست بهاباد از توابع استان یزد، در درگیری با اشرار به شهادت رسید. با شهادت محیط‌بان قنبری‌زاده، تعداد شهدای محیط‌بان کشور به عدد ۱۲۰ رسید. بر اساس خبری که روابط‌عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان یزد منتشر کرد، علی‌اکبر قنبری‌زاده، رئیس اداره حفاظت محیط زیست بهاباد، صبح روز گذشته حین گشت و کنترل مناطق تحت مدیریت این شهرستان، در درگیری با اشرار در حد فاصل بهاباد و اردکان به شهادت رسید.

شهید علی‌اکبر قنبری‌زاده، متولد ۱۳۵۱ بود و سابقه ۲۰ سال خدمت در سازمان محیط زیست را داشت. او شهریور ۹۴ موفق شد با نصب یک دستگاه دوربین تله‌ای برای نخستین‌بار از یک قلاده یوزپلنگ در منطقه شکارممنوع بهاباد تصویربرداری کند. در همین رابطه، معاون سازمان محیط زیست جزئیات شهادت محیط‌بان قنبری را در درگیری با اشرار و قاچاقچیان در یزد اعلام کرد. او دراین‌باره به مهر گفت: همکار ما محیط‌بان قنبری که ریاست واحد محیط زیست شهرستان بهاباد در استان یزد را بر عهده داشت، صبح دیروز همراه با نیروی انتظامی برای پیگیری موضوعی که احتمالا مرتبط با قاچاق بود، به مأموریت اعزام شد و در حین مأموریت در درگیری با اشرار، به درجه رفیع شهادت نائل شد. حمید ظهرابی افزود: اشراری که در این درگیری دخیل بودند، دستگیر شده و تعدادی به هلاکت رسیدند. او ادامه داد: این اتفاق یکی دیگر از جنبه‌های فعالیت محیط‌بانان را نشان می‌دهد. من سال‌هاست که در حوزه محیط طبیعی کار می‌کنم، بیش از ده‌ها بار درگیری محیط‌بانان و اشرار و قاچاقچیان اتفاق افتاده و این سومین یا چهارمین محیط‌بانی است که اطلاع دارم در درگیری با اشرار به شهادت رسیده است. سرپرست معاونت محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرد: این مسئله نشان می‌دهد محیط‌بانان علاوه بر حفظ حیات‌وحش و طبیعت کشور، در تأمین امنیت کشور نیز نقشی مهم و بسزا دارند؛ چراکه بخش‌های مهمی از مناطق بیابانی کشور تنها از سوی محیط‌بانان حفاظت و بازرسی می‌شود.

سال گذشته نیز دو محیط‌بان در بندرعباس و یک محیط‌بان در استان فارس در درگیری با شکارچیان متخلف به شهادت رسیده بودند.